

عنوان مقاله:

رویکردهای خاورشناسان در تاریخ‌نگاری فرش ایران از ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی و آسیب‌شناسی آن‌ها

محل انتشار:

دوفصلنامه گلجام، دوره 13، شماره 32 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

داود شادلو - دانشگاه شاهد

علیاصغر شیرازی - دانشگاه شاهد

خلاصه مقاله:

شرق‌گرایی در اروپا در سده‌ی نوزده میلادی گسترش یافت و خاورشناسان بسیاری با انگیزه‌های متفاوت راهی مشرق‌زمین شدند و به پژوهش و نگارش درباره‌ی جامعه، فرهنگ، تمدن و هنر شرقی از جمله فرش پرداختند. از مهم‌ترین مواردی که خاورشناسان به آن توجه نشان دادند تاریخ‌نگاری فرش‌های شرقی، بررسی طرح‌ها و نقوش و جغرافیای بافت فرش‌ها بود. هدف این مقاله شناسایی و بررسی منابع و رویکردهای خاورشناسان درباره‌ی فرش ایران و بررسی آسیب‌شناسی آثار ایشان است. این مقاله به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری آن به صورت اسنادی است. جامعه‌ی آماری، آثار در دسترس خاورشناسان (کتاب، مقاله، کاتالوگ نمایشگاه) در بازه‌ی زمانی نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم تا نیمه نخست سده‌ی بیستم میلادی می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها روش کیفی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد خاورشناسان با دو رویکرد که زیرمجموعه‌ی دو مکتب برلین و وین دسته‌بندی می‌شود به تاریخ‌نگاری و پژوهش درباره‌ی فرش‌های ایرانی پرداخته‌اند و آثاری که از آنان برجای مانده است در دو دسته‌ی منابع تاریخی و اطلاع تاریخی جا می‌گیرد و این آثار منبع مستقیم تاریخ‌نگاری نیستند. از دیگر نتایج این تحقیق بررسی اصلی‌ترین کاستی‌های مطالعات خاورشناسان است که عبارت‌اند از: تمرکز صرف بر مطالعات کتابخانه‌ای و فرش‌های موزه‌ای؛ عدم توجه به تحقیقات میدانی؛ قطعی پنداشتن داده‌ها و فرضیات خود؛ نسبت دادن نادرست فرش‌ها به مناطق خاص؛ تاریخ‌گذاری‌های نادرست با دلایل ناموجه؛ عدم توجه به بسترهای تولید فرش و جدا کردن هنر از خاستگاه بومی و فرهنگی خود. با این حال مطالعات خاورشناسان به‌ویژه در روش تجزیه و تحلیل علمی داده‌ها، تأثیر بسیاری بر نوشته‌های پژوهشگران ایرانی گذاشته است که این مقاله به آن می‌پردازد.

کلمات کلیدی:

historiography, orientalists, Iranian carpet, Berlin School, Wien School, تاریخ‌نگاری، خاورشناسان، فرش ایران، مکتب برلین، مکتب وین

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1145156>

